**نام مقاله: مطالعه الگو، نوع و سطح سودمندي استنادهاي مقاله هاي كتابداري و اطلاع رساني**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 51 \_ شماره سوم- جلد 13**

**پديدآور: مليحه تردست زاده، دكتر محمد حسين دياني**

**چكيده**

**هدف مقاله، بررسي كيفيت و سودمندي استنادها در مقاله‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني بر اساس نوع، طبقه‌، و مكان استنادهاست. اين پژوهش از نوع كاربردي و با روش تحليل محتوا انجام گرفته است. جامعه آماري براي بررسي نوع و مكان استنادها 915 استناد و براي بررسي سطح سودمندي استنادها 1000 استناد مربوط به مقاله‌هاي پژوهشي تأليفي مجله‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني با درجه علمي ـ پژوهشي،  فصلنامه كتاب،و دفتر كتابداري با درجه علمي ـ ترويجي، مربوط به سال 1385 است. در اين بررسي، مقاله‌هاي مروري به دليل تفاوتهاي خاص آنها با مقاله‌هاي علمي پژوهشي، مورد نظر نبود.**

**نتايج پژوهش نشان داد: 1) بين الگوي استنادي نويسندگان (استفاده از انواع استناد)، در سه مجله مورد بررسي تفاوت معنا‌دار وجود دارد. 2) توزيع و پراكندگي استنادها در بخشهاي مختلف سه مجله مورد بررسي، متفاوت است، به‌طوري كه در هر سه مجله بيشترين تعداد استنادها ابتدا در بخش مرور نوشتار و سپس در بخش مقدمه قرار دارد. 3) سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي، متفاوت است. سطح سودمندي بالا در مجله كتابداري و اطلاع‌رساني با 4/53 %، بيشترين فراواني را دارد، در حالي كه اين سطح سودمندي در فصلنامه كتاب 9/28 %، و در كتابداري 9/27 % است. 4) الگوي استنادي نويسندگان، مكان و سطح سودمندي استنادها در كل مجله‌هاي مورد بررسي متفاوت است.**

**كليدواژه‌ها: استنادهاي سودمند، استنادها برحسب نوع، الگوي استناددهي، استنادها بر حسب مكان، كتابداري و اطلاع‌رساني، فصلنامه كتاب، دفتر كتابداري.**

**مقدمه**

استناد[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ") يكي از عناصر شاخص در نگارشهاي علمي است و نقش بارزي در توليد و نشر اطلاعات دارد. طي سالها، استناد شماري در علم كتابداري و اطلاع‌رساني به منظور تعيين كاركرد نويسنده‌اي،‌ يا تعيين منابع مورد استفاده مقاله‌اي،‌ و يا به عنوان راهبردهايي براي بازيابي اطلاعات مورد استفاده بوده است (Small, 1999 نقل درHand, 2003). مقاله‌ها به دلايل متعدد از جمله دربرداشتن اقلام اطلاعاتي فراوان، مورد استناد قرار مي‌گيرند (Cano, 1989).

بر اساس سبك ساختارگرايي اجتماعي جامعه‌شناسي علم (Latour, Woolgar, 1979 نقل در Bornmann, Daniel, 2008a)،اهميت هر مقاله‌اي تا حد زيادي به مقدار استفاده ديگر دانشمندان از آن وابسته است. اگر دانشمندان، از محتواي مقاله‌اي بارها و به نحو مؤثري استفاده كنند، ادعاي دانشي كه در آن مقاله پرورانده شده است، به واقعيت علمي تبديل مي‌شود و بتدريج در زمرة دانش علمي آن رشته در مي آيد. (Amsterdamska, Leydesdorff, 1989 نقل در Bornmann, Daniel, 2008a).

امروزه يكي از نشانه‌هاي اصلي پيشرفت علمي هر كشور، تعداد توليدات علمي و ميزان استناد به آنهاست. اين موردي است كه در مؤسسه اطلاعات علمي[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")، در شاخصهاي اساسي علم[[3]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn3" \o ")، در رتبه‌بنديهاي علمي منعكس است. اين مؤسسه سه عامل زير را براي فعاليتهاي خود در نظر دارد:

1. تعداد مدارك نمايه شده

2 .تعداد استنادها.

و يك عامل تركيبي، تعداد مدارك نمايه شده/ استنادها، محاسبه مي‌كند (موسوي، 1383، ص 51).

نكته قابل توجه در استناد شماري اين است كه استنادها به آساني شمرده مي‌شوند، اما معلوم نيست، واقعاً چه چيزي شمرده مي‌شود (Collins, 1982 نقل در Cano, 1989). به عبارت ديگر، در شمارش استنادها ـ براي ارزيابي متون علمي ـ چگونگي اين ارزيابي با توجه به استنادها با ابهام همراه است (Bornmann, Daniel, 2008b).به بيان «كانو» (Cano, 1989)، همه استنادها ارزش برابر ندارند، و از ديدگاه اطلاعاتي، برخي اهميّت قابل توجهي داشته و برخي فاقد اهميّت مي‌باشند.

بر اين اساس، توجه به محتوايي كه هر استناد در متون علمي حمل مي‌كند و اثري كه در تحقيق بعدي دارد، حاوي ارزش بيشتري از شمارش صرف هر استناد است، زيرا محتواي هر استناد است كه ابعاد يا زواياي اصلي يك متن علمي را شكل مي‌دهد. توجه به استنادهاي بسياري از مقاله‌ها، اين فرض را به ذهن مي‌آورد كه مقاله مي‌توانست بدون برخي استنادها همچنان داراي هويت خاص خود باشد. درصورت درستي اين ادعا و پذيرش اين نكته، نويسندگان مقاله‌هاي علمي از جمله نويسندگان مقاله‌هاي كتابداري، از انواع استناد و اثربخشي آنها در محتواي متن علمي رشته خود تصور روشني ندارند. سؤال اساسي كه در اين مورد مي توان مطرح كرد اين است كه آيا به راستي استنادها مي‌توانند نشان دهنده كيفيت مقاله باشند؟ آيا شمارش صرف استناد به يك اثر را مي‌توان ميزان اثرگذاري يا شايستگي علمي آن اثر تلقي كرد؟ آيا ويژگيهايي نظير مكاني كه استناد آمده يا نوع استناد، مي‌تواند امتياز ويژه‌اي براي اثر محسوب ‌شود؟ اينها سؤالايي است كه پژوهش حاضر در پي يافتن پاسخ براي آنهاست.

**مروري كوتاه بر پيشينة پژوهش**

«موراوسيك و مورگسان» (Moravsick, Murgusan, 1975)، استنادهاي 30 مقاله در موضوع فيزيك نظري را كه در بررسي‌نامه فيزيك[[4]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn4" \o ")، بين سالهاي 1968 و 1972 منتشر شده بود، از نظر انواع استناد بررسي كردند. آنها استنادها را در 5 جفت طبقه دسته‌بندي كردند كه عبارتند از: اولين طبقه (استنادهاي ادراكي در مقابل عملكردي)، دومين طبقه (استنادهاي سازمان‎يافته در مقابل بدون سازمان)، سومين طبقه (استنادهاي تكاملي در مقابل الحاقي)، چهارمين طبقه (استنادهاي تأييدي درمقابل تكذيبي)، و پنجمين طبقه (استنادهاي باارزش در مقابل حشو).

نتايج پژوهش نشان داد اكثر استنادها به ترتيب به طبقه‏هاي با ارزش (69%)، سازمان‏يافته (60%)، و تكاملي (59%)، اختصاص يافته‏اند. تنها 14% از مقاله‏هاي مورد استناد به صورت نادرست يا تأمل‏برانگيز مورد استناد قرار گرفته بودند. آنها نتيجه گرفتند درصد بالايي از استنادهاي با ارزش، سازمان‏يافته و تكاملي، نشان‏دهندة تأثير پژوهشهاي قبلي، بر آثار استنادكننده است. درصد پايين استنادهاي نوع تكذيبي، فرضيه‏هاي نظريه هنجاري رفتار استنادي را تأييد مي‌كند. آنها همچنين به اين نتيجه رسيدند كه حجم نسبتاً زياد(41%) ارجاعات بدون سازمان، ترديدهاي جدي را ”درباره استفاده از استنادها به عنوان سنجش كيفيت به بار مي‌آورند؛ زيرا، كاملاً ممكن است كه هر شخصي يا گروهي، با نوشتن مقاله‏‏هاي قابل نشر در موضوعهاي متداول، شمار استنادهاي بالايي را كسب كند كه بعداً به آنها به عنوان ارجاعات بدون سازمان استناد خواهد شد“ (نقل در Bornmann, Daniel, 2008b).

«پريتز » (Peritz, 1983)، در پژوهشي بر اساس طرح طبقه‌بندي خود كه شامل 8 طبقه در موضوع علوم اجتماعي و رشته‏هاي وابسته آن است، نوع و مكان استنادها را به طور جداگانه و تركيبي بررسي نمود.

«كانو» (Cano, 1989) در پژوهشي با عنوان «رفتار استنادي: طبقه‌بندي، سودمندي و مكان استنادها» روابط فرضي بين سه متغير نوع استناد، سطح سودمندي و مكان استنادها را بررسي كرد. «كانو» در پژوهش خود مدل رفتار استنادي موراوسيك و مورگسان (1975) را به صورت تجربي بررسي نمود. هدفهاي اين پژوهش شامل آزمودن كاربرد پذيري مدل رفتار استنادي پيشنهاد شده توسط موراوسيك و مورگسان به عنوان مدل استفاده از اطلاعات، فراواني و سطح سودمندي انواع استنادها، و آزمودن سودمندي عامل مكان استناد به عنوان متغير كتابسنجي جديد بود. او در اين پژوهش از گروهي از دانشمندان خواست تا انواع استنادهاي موجود در دو پژوهش اخيرشان را طبقه‌بندي و نظر خود را دربارة سودمندي محتواي هر يك از استنادهاي مورد استفاده بيان كنند. نتايج پژوهش نشان داد استنادها بيشتر در بخش مقدمه متمركزند و بيش از يك سوم استنادهاي اين بخش ماهيّتي بدون سازمان و سطح سودمندي بسيار پايين دارند. استنادهاي سازمان‏يافته، بيشترين سهم را در بين انواع استناد در بخشهاي مياني و انتهايي مقاله‏ها به خود اختصاص داده‌اند. نتايج كانو ممكن است به اين فرضيه منجر شود كه استنادهايي كه در بخشهاي مقدماتي مقاله‏هاي فني قرار گرفته‏اند، فقط «تنظيم تحقيق» را مي‏نمايانند و اطلاعات اين بخشها سطح سودمندي خيلي كمي براي نويسندگان اين قبيل مقاله‌ها دارند (موراوسيك و مورگسان، 1975:288 )

«ماري‌سيك و ديگران» (Maricic et al., 1998)، با استفاده از مكان استناد و سطح استنادي، به تحليل استنادها پرداختند. آنها بخشهاي مختلف مقاله‏هاي استنادكننده (مقدمه، روشها، نتايج و بحث) و هم سطح استنادي را براي استنادهاي 357 مقاله تهيه شده توسط مؤسسه بين رشته‏اي، تحليل و بررسي كردند. آنها سطح استناد را به صورت بالا يا پايين (قوي يا ضعيف) بر طبق يك تشخيص آسان، ثبت كردند: سطح استناددهي معنا‏دار يا با شدت بالا، شامل انواع استنادهاي ضروري، اصلي، يا سازمان‏يافتة مقاله مورد استناد و در مقابل، سطح استناددهي سطحي يا با شدت پايين، شامل انواع استنادهاي غيرضروري، جانبي، يا بدون سازمان مقالة مورد استناد مي‌باشد. نتايج پژوهش نشان داد، استنادهاي سطحي يا با شدت پايين در بخش مقدمه مقاله و استنادهاي معنا‏دار يا با شدت بالا در بخشهاي روشها، نتايج و بحث پژوهش غالب بودند. نتايج بسيار مهم اين پژوهش در مراحل بعد نشان داد هيچ‏گونه همساني بين تحليل استنادي صرفاً شمارشي از يك طرف، كه دربرگيرندة نتايج استنادها در سطح ارزشي آنهاست و تحليل بافتي مبتني بر طبقه‌بندي استنادها (سطوح با شدت بالا/پايين) و مكان استناد دهي (درون مقاله‏هاي استنادكننده)، از طرف ديگر ديده نمي‌شود(Maricic et al., 1998 :538) . بنابراين، براي ارزشيابي دستاوردهاي علمي، نمي‌توان صرفاً از تحليل ميانگين آماري فراواني استنادها استفاده كرد.

در ايران نيز، تنها پژوهش «پرويز شهرياري» (1385)، تا حد كمي مشابه پژوهش حاضر است كه در آن، به دسته‏بندي انواع استناد به شيوه‏اي غير از پژوهش حاضر پرداخته است. شهرياري، در مقاله خود با عنوان «تحليل استنادي مقالات فصلنامه علوم اطلاع‏رساني» (1351-1381)، پراكندگي موضوعي استنادهاي مقاله‌ها را در دو دسته كلي كتابداري و غيركتابداري بررسي نمود. وي براي تعيين پراكندگي موضوعي استنادها در حوزه موضوعي كتابداري، از رده‏بندي ايزا[[5]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn5" \o ")، و در حوزه موضوعات غيركتابداري، از رده‏بندي ديويي استفاده كرد. يافته‏هاي پژوهش وي نشان داد، 7/81 % استنادها در حوزه كتابداري، و 3/18% غيركتابداري يا نامشخص بودند.

بنابراين، از آنجا كه پژوهشهاي استنادي در ايران، بيشتر با رويكرد كمّي است، نياز به انجام پژوهشهايي از اين دست كه به بررسي كيفي استنادها از سوي محققان اين حوزه بپردازد، بسيار احساس مي‌شود.

**فرضيه‌هاي پژوهش**

پژوهش حاضر در پي يافتن پاسخ براي فرضيه‌هاي ذيل است:

1.    بين الگوي استنادي نويسندگان (استفاده از انواع استناد)، در سه مجله مورد بررسي، تفاوت معنا‌داري وجود دارد.

2.    توزيع و پراكندگي استنادها در بخشهاي مختلف سه مجله مورد بررسي، متفاوت است.

3.                  سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي، متفاوت است.

4.    نتايج حاصل از فرضيه‌هاي 1، 2، و 3 در كلّ مجله‌هاي مورد بررسي متفاوت است.

**مبناي طبقه‌بندي استنادها**

طرحهاي بسياري براي طبقه‌بندي انواع استناد وجود دارد كه آنها را در مقياسهاي چندبُعدي يا طبقه‌هاي متعدد دسته‌بندي كرده‌اند.

بيشتر طرحها ماهيتي طبيعيدارند (Small, 1982 نقل در Cano, 1989). از بين اين طرحها، طرح طبقه‌بندي استنادهاي «پريتز» (1983) كه در ‌رابطه با مطالعات تجربي در علوم اجتماعي و رشته‌هاي وابسته نظير جامعه‌شناسي، علوم‌تربيتي، جمعيت‌شناسي و كتابداري توسعه يافته است، بيشتر از ديگر طرحهاي طبقه‌بندي، با حوزه كتابداري و اطلاع‌رساني مرتبط است. در استفاده از اين طرح، مقاله‌هاي نظري، روش شناختي، تاريخي، مروري، سخنرانيها، گزارشها، مباحثه‌ها و مذاكره‌ها، مرور و نقدهاي كتاب مستثنا شده‌اند، زيرا در واقع، اين طبقه‌بندي براي آنها عملياتي نيست.

لازم به يادآوري است، محقق بر اساس نياز و به منظور عملياتي كردن و وضوح طرح خود اضافاتي را لحاظ كرده است كه در آن استنادها را در 8 طبقة اصلي و 23 طبقه فرعي تقسيم‌بندي كرده كه شرح مفصل آن در زير ارائه شده است:

**1.                   تنظيم تحقيق**

1-1. تحت اين سرعنوان همه استنادهايي قرار مي‌گيرند كه مقدماتي براي طرح سؤال پژوهش فراهم مي‌كنند. زماني كه سؤالهاي پژوهشي يك تحقيق قبلي (يك مورد تا تمامي موارد)، مشابه سؤالهاي پژوهشي در تحقيق فعلي باشد، مي‌توان نتيجه گرفت كه سؤالهاي پژوهش تحقيق فعلي الهام گرفته از سؤالهاي پژوهش تحقيق قبلي است. در نتيجه، مي‌توان آن را در طبقه «تنظيم تحقيق» قرار داد. «هوجز» اين گروه را مدركي (تهيه شواهد براي تحقيق در دست انجام)، ناميده است؛

**2.                   اطلاعات زمينه‌اي**

2-1. استنادهايي كه داده‌هاي اصلي (مانند جمعيت مورد مطالعه)، را براي تنظيم تحقيق مستند مي‌سازد.

2-2. استنادهايي كه از اطلاعات واقعي براي توجيه و تصديق بعضي تصميمهاي روش‌شناختي حمايت مي‌كنند.

2-3. استناد به اطلاعات خاص يا عمومي در رابطه با موضوع مورد نظر.

**3.                    روش‌شناختي**

اين گروه شامل استناد به آثاري است كه بعضي جنبه‌هاي روشهاي به كارگرفته شده در تحقيق فرد استنادكننده را توصيف مي‌كند. تقريباً هميشه مي‌توان استنادهاي اين طبقه را در دو زيرگروه ديگر تقسيم‌بندي كرد:

3-1. استنادهايي كه به طرح تحقيق ارجاع مي‌دهند (شامل آن دسته از استنادها به ابزار (پرسشنامه، متن مصاحبه، نرم افزار و ...)، به كارگرفته در پژوهش است، همچنين جامعه پژوهش و نمونه‌گيري)

3-2. استنادهايي كه به روشهاي تحليل ارجاع مي‌دهند (استنادهايي كه به كاربرد شيوه‌اي خاص براي تحليل داده‌ها، يا چرايي استفاده از شيوه‌اي خاص براي تحليل داده‌ها مي‌پردازند. استناد به آزمونهاي آماري و تساويهاي نظري).

**4.                    تطبيقي**

اين طبقه شامل استناد به تحقيقاتي است كه با تحقيق حاضر مقايسه مي‌شوند و مي‌تواند شامل دو دسته زير نيز باشد:

4-1. تأييدي: اين استنادها، يا از يافته‌هاي نويسنده حمايت مي‌كنند يا نويسنده آنها را تأييد مي‌كند.

4-2. انكاري: اين استنادها يافته‌هاي نويسنده را رد مي‌كنند، با يافته‌هاي نويسنده مخالف است، يا نويسنده آنها را رد مي‌كند.

**5.                   استدلالي، نظري، فرضي**

5-1. شامل همه استنادهايي است كه ضرورت پرداختن به تحقيق را توجيه مي‌كند.

5-2. شامل همه استنادهايي است كه مقدمات فرضيه‌هاي پژوهش را فراهم مي‌كنند. مانند بيرون‌كشيدن فرضيه از دل نظريه‌ها، فرضيه‌ها يا يافته‌هاي ديگر تحقيقات و نيز استنادهايي كه دلايل طرح فرضيه پژوهش را موجه مي‌سازند.

5-3. شامل استنادهايي است كه بر اساس يافته‌هاي تحقيق از فرضيه‌ها و حدس و گمان‌هاي جديد محقق، حمايت مي‌كنند.

5-4. استناد به فرضيه‌هايي (اعم از فرضيه‌هاي پيشنهاد‌شده ثابت نشده و ثابت شده)، كه نتايج مشاهده‌ها را بيان و مستدل مي‌نمايند.

5-5. استنادهايي كه يافته‌هاي نويسنده را توضيح مي‌دهند و توصيف مي‌كنند.

5-6. استنادهايي كه از پيشنهاد براي پژوهشهاي بيشتر، نظرها، راه‌حل‌ها و ديگر دلايل، حمايت مي‌كنند.

در طبقه‌بندي «هوجز» چنين طبقه‌اي به چشم نمي‌خورد.

**6.                    مستند**

6-1. استناد به منابع داده‌هاي خام استفاده شده در تحقيق (مانند انتشارات آماري رسمي).

6-2. اين طبقه شامل بيشتر آن چيزهايي است كه هوجز آن را «هم‌نژاد» ناميده است؛ يعني استناد به مطالب ارائه شده در منابعي نظير پايان‌نامه‌هاي دكتري، گزارشهاي فني و ... ، با اين حال اگر استناد «هم‌نژاد» براي برخي مقاصد روش‌شناختي استناد شده باشد، بايد آن را به عنوان استناد روش‌شناختي ثبت كرد.

6-3. استناد به نتايج تحقيقات، نقل‌ قولها و عقايد ديگر محققان.

6-4. استناد به تعريفها و تفسير و توضيح‌ها در رابطه با مفاهيم يا اصطلاحات موجود درمدرك استنادكننده، ارائه شده در مدرك مورد‌ استناد.

**7.                    تاريخي**

7-1. استنادهايي كه تاريخ موضوع را رديابي مي‌كنند.

7-2. استنادهايي كه از اثر پيشگامان قدرداني مي‌كنند.

7-3. استناد به تحقيقات كم و بيش مشابه با تحقيق فعلي (اكثر اين دسته از استنادها در بخش مرور ‌نوشتار آورده مي‌شوند بدون اينكه مستقيم به تنظيم تحقيق، فرضيه‌ها يا روش‌شناسي تحقيق پرداخته باشند).

اغلب تصميم‌گيري درباره اينكه استنادي در طبقه «تاريخي» يا «تنظيم تحقيق» قرار مي‌گيرد، مشكل است. به هر حال، هر وقت استنادي به درستي به سؤال پژوهش در دست انجام مربوط باشد، بايد آن را صرف نظر از دوره تاريخي‌اش، در «تنظيم تحقيق» قرار داد.

**8.                   اتفاقي (غير مهم)**

8-1. اين طبقه به استنادهايي اشاره دارد كه مستقيما به اثر در دست انجام مرتبط نيستند. اشاره به آثار مرتبط در حوزه‌هاي ديگر، از رويكردهاي متفاوت – در عين حال بدون هيچ قصد مقايسه يا تحليل – در اين طبقه قرار مي‌گيرند. بخصوص در مرور ‌نوشتار، استناد به آثاري كه موضوع اصلي آنها با موضوع اصلي تحقيق حاضر متفاوت باشد.

**روش پژوهش، جامعه آماري و ابزار گردآوري اطلاعات**

پژوهش حاضر از نوع كاربردي است و با روش تحليل محتوا انجام گرفته است. جامعه آماري اين پژوهش شامل استنادهاي آن دسته از مقاله‌هاي مجله‌هاي مصوب كميسيون بررسي نشريه‌هاي علمي كشور حوزه كتابداري و اطلاع‌رساني در سال 1385، به نامهاي مجله كتابداري و اطلاع رساني با درجه علمي پژوهشي، كتابداري[[6]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn6" \o ") و فصلنامه كتاب با درجه علمي ـ ترويجي است[[7]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn7" \o ")، كه شرايط زير در مورد آن‌ مقاله‌ها صادق باشد:

ـ پژوهشي باشند، نه مروري

ـ تأليفي باشند، نه ترجمه‌اي.

در مجموع حدود 57 مقاله پژوهشي تأليفي و 915[[8]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn8" \o ") استناد بررسي و مطالعه شد، كه اطلاعات تفصيلي در رابطه با تعداد مقاله‌ها مربوط به هر شماره مجله در جدول 1، قابل مشاهده است.

**جدول1. توزيع مقاله‌هاي پژوهشي به تفكيك مجله‌ها در هر دوره انتشار****[[9] آنها در سال 1385](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn9" \o ")**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **مجله****شماره** | **كتابداري و اطلاع‌رساني** | **فصلنامه كتاب** | **كتابداري** |
| بهار | 1 | 6 | **5** |
| تابستان | 3 | 10 |
| پاييز | 2 | 8 | 6 |
| زمستان | 6 | 10 |
| **جمع** | **12** | **34** | **11** |

بنابراين، با توجه به جدول 1، بيشترين تعداد مقاله‌ها متعلق به مجله فصلنامه كتاب است و تعداد مقاله‌هاي پژوهشي مجله‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني و كتابداري تقريبا با هم برابر هستند.

ابزار گردآوري اطلاعات، سياهه وارسي است. اين سياهه، بر‌اساس مطالعه متون و ديدگاه‌هاي صاحب‌نظران تهيه شد كه در زير خواهد آمد. با توجه به تنوع اطلاعات حاصل از اين پژوهش و نحوة بهره‌برداري از آنها، سياهه وارسي واحدي طراحي شد كه هدف از آن، شناسايي توأمان نوع استنادها بر اساس دسته‌بندي انواع استناد، مكان و سطح سودمندي آنها بود. در اين سياهه، رديفها به مشخصات استنادها و ستونها به ‌ترتيب، به مكان استناد در مقاله پژوهشي، انواع استناد و سطح سودمندي آنها اختصاص دارد. همچنين، در قسمت بالاي اين سياهه، اطلاعات كتابشناختي مقاله و تعداد منابع و استنادهاي آن آمده است.

 

**شكل1. سياهة وارسي**

**يافته‌هاي پژوهش**

**فرضيه شماره 1.**بين الگوي استنادي نويسندگان (استفاده از انواع استناد)، در سه مجله مورد بررسي، تفاوت معنا‌داري وجود دارد.

در ارتباط با فرضيه 1 پژوهش، با استفاده از مندرجات جدول 2، به بررسي فراواني انواع استناد در مجله‌هاي مورد نظر و پاسخ به اين فرضيه مي‌پردازيم.

**جدول2. توزيع انواع استناد در طبقه‌هاي كلي به تفكيك مجله‌هاي مورد بررسي**

| **مجله****نوع** | **كتابداري****و اطلاع‌رساني** | **فصلنامه كتاب** | **كتابداري** | **جمع** | **تغييرات** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تنظيم تحقيق | 664/27% | 1447/27% | 446/28% | 2548/27% | 2/1 |
| اطلاعات زمينه‌اي | 457/18% | 629/11% | 141/9% | 1212/13% | 8/3 |
| روش‌شناسي | 2912% | 159/2% | 16/0% | 459/4% | 8/16 |
| تطبيقي | 199/7% | 322/6% | 134/8% | 647% | 6/9 |
| استدلالي، نظري، فرضي | 116/4% | 383/7% | 134/8% | 628/6% | 2/5 |
| مستند | 369/14% | 754/14% | 157/9% | 1268/13% | 4/11 |
| تاريخي | 337/13% | 1187/22% | 475/30% | 1986/21% | 2/2 |
| اتفاقي | 28/0% | 369/6 % | 75/4 % | 459/4 % | 1/6 |
| **جمع** | **241****100%** | **520****100%** | **154****100%** | **915****100%** | **\*** |
| تغييرات | 6/26 | 8/24 | 9/29 | **\*** | **\*** |

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول 2، كه در آن به توزيع انواع استناد در طبقه‌هاي كلي مي‌پردازد، طبقه‌اي كه بيشترين تعداد استنادها را در خود جاي داده است. در فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني و فصلنامه كتاب، طبقه «تنظيم تحقيق» و در دو فصلنامه كتابداري، طبقه «تاريخي» است؛ و كمترين تعداد استنادها در فصلنامه كتاب و كتابداري، طبقه «روش‌شناسي» و در كتابداري و اطلاع‌رساني، طبقه «اتفاقي» مي‌باشد.

بيشترين تغييرات در بين طبقه‌هاي سه مجله، با 8/16D:  در طبقة «تاريخي» است كه كمينه آن، 7/13 در كتابداري و اطلاع‌رساني و بيشينة آن، 5/30 در كتابداري است. پس از آن، بيشترين تغييرات متعلق به طبقه «روش‌شناسي» با 3/11D:  بين 12 در كتابداري و اطلاع‌رساني و 7/0 در كتابداري مي‌باشد.

علاوه بر تغييرات بين مجله‌ها، تغييرات بين طبقه‌ها در هر مجله نيز به قرار زير است:

كتابداري با 9/29D:  بيشترين تغييرات بين طبقه «تاريخي» و «روش‌شناسي» را داراست. بعد از آن كتابداري و اطلاع‌رساني با 6/26 D:  بين طبقه‌هاي «تنظيم تحقيق» و «اتفاقي» و فصلنامه كتاب با 8/24D:  بين طبقه‌هاي «تنظيم تحقيق» و «روش‌شناسي» داراي دامنه تغييرات نسبتاً مساوي هستند.

البته، توزيع نوع استنادها در هر مقالة مجله، بسيار متفاوت از يكديگر است كه اين پژوهش قصد ندارد به اين مسئله بپردازد.

براي آزمون معنا‌داري تفاوت بين الگوي استنادي نويسندگان (استفاده از انواع استناد)، از آزمون مجذور كا (X^2) استفاده شد. مقدار كي‌دو 457/74 در سطح اطمينان 05/0 و درجه آزادي 14 به دست آمد. از آنجا كه مقدار آماره آزمون 000/0 شده است و كمتر از 05/0 است، تفاوتي معنا‌دار را نشان مي‌دهد. به عبارت ديگر، بين الگوي استنادي نويسندگان در سه مجله مورد بررسي، تفاوت معنا‌داري وجود دارد.

**جدول 3. آزمون X^2 براي بررسي تفاوت بين الگوي استنادي نويسندگان(استفاده از انواع استناد)**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **P - Value** | **درجه آزادي** | **ارزش** |  |
| 000/0 | 14 | 457/74 | كي‌دو پيرسون |

**فرضيه شماره2.**توزيع و پراكندگي استنادها در بخشهاي مختلف سه مجله مورد بررسي، متفاوت است.

در پاسخ به فرضيه 2، جدول 4، به بررسي مكان استنادها در هر سه مجله نامبرده در طول سال 1385 مي‌پردازد.

**جدول4. توزيع استنادها در بخشهاي مختلف مقاله‌هاي مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **مكان****مجله‌ها** | **كتابداري و اطلاع‌رساني** | **فصلنامه كتاب** | **كتابداري** | **جمع** |
| مقدمه | 784/32% | 1362/26% | 328/20% | 2469/26% |
| مرور‌ نوشتار | 987/40% | 28154% | 898/57% | 4681/51% |
| روش‌شناسي | 304/12% | 284/5% | 16/0% | 594/6% |
| يافته‌ها | 101/4% | 468/8% | 128/7% | 684/7% |
| نتيجه‌گيري | 254/10% | 296/5% | 2013% | 7418% |
| جمع | 241100% | 520100% | 154100% | 915100% |

آن‌طور كه از جدول 4 پيداست، متراكم‌ترين بخشها از لحاظ حضور استناد، در هر سه مجله مذكور، ابتدا بخش «مرور‌نوشتار» است كه تقريبا بيش از نيمي از كل استنادها را شامل مي‌شود، و پس از آن بخش «مقدمه» است. اما اولويتهاي سوم تا پنجم، از مجله‌اي به مجلة ديگر متفاوت است؛ به‌طوري كه اولويت سوم در كتابداري و اطلاع‌رساني، بخش «روش‌شناسي»، در فصلنامه كتاب، بخش «يافته‌ها» و در كتابداري، بخش «نتيجه‌گيري» است. اولويت چهارم در مجله‌هاي كتابداري و اطلاع‌رساني و فصلنامه كتاب، يكسان و بخش «نتيجه‌گيري» است و در كتابداري بخش «يافته‌ها»ست. اولويت پنجم نيز در مجله‌هاي فصلنامه كتاب و كتابداري، يكسان و بخش «روش‌شناسي» است؛ در حالي‌كه در كتابداري و اطلاع‌رساني بخش «يافته‌ها» مي‌باشد. بنابراين، تراكم استنادها در اولويت سوم تا پنجم بدين قرار است كه استنادها ابتدا در بخش «نتيجه‌گيري»، سپس در بخش «يافته‌ها»، و در نهايت در بخش «روش‌شناسي» قرار گرفته‌اند. نكته قابل ملاحظه در اين بررسي اين است كه با توجه به اينكه جامعه پژوهش تحقيق حاضر، مقاله‌هاي پژوهشي مي‌باشند و آنها نيز بر روش پژوهش و آزمونهاي آماري متكي هستند، شاهد هستيم كه كمترين تعداد استنادها در بخش روش‌شناسي قرار گرفته‌اند، علاوه بر اينكه در پاسخ به فرضية قبلي مشخص شد كه در دو مجله فصلنامه كتاب و كتابداري، طبقه روش‌شناسي نيز كمترين تعداد استناد را در خود جاي داده است.

براي آزمون معنا‌داري تفاوت بين توزيع و پراكندگي استنادها در بخشهاي مختلف سه مجله مورد بررسي، از آزمون مجذور كا (X^2) استفاده شد. با توجه به جدول 5، مقدار كي‌دو 788/49 در سطح اطمينان 05/0 و درجه آزادي 8 به دست آمد. از آنجا كه مقدار آماره آزمون 000/0 شده است و كمتر از 05/0 است، تفاوتي معنا‌دار را نشان مي‌دهد. به عبارت ديگر، بين مكان استناد در بخشهاي مختلف سه مجله مورد بررسي تفاوت معنا‌داري وجود دارد.

**جدول 5. آزمون X^2 براي بررسي تفاوت بين توزيع و پراكندگي استنادها در بخشهاي مختلف سه مجله مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **P - Value** | **درجه آزادي** | **ارزش** |  |
| 000/0 | 8 | 788/49 | كي‌دو پيرسون |

**فرضيه شماره3.**سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي، متفاوت است.

به منظور تعيين سطح سودمندي محتواي استنادها، با استفاده از تحليل بافتي (Amsterdamska, Leydesdorff, 1989, Maricic et al., 1998)، و بدون در نظر گرفتن موقعيت مكاني و نوع استنادها، بافتهاي استنادي مورد مطالعه قرار گرفت. تعيين سطح سودمندي استنادها گام بسيار مهم و روبه جلو از تعداد شكني در تحليلهاي استنادي است. جدول6 و نمودار 1، به بررسي سطح سودمندي استنادها در مجله‌هاي مورد بررسي مي‌پردازد.

**جدول 6. فراواني سطح سودمندي استنادها به تفكيك مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سطح سودمندي****مجله** | **پايين (1)** | **بالا (2)** | **جمع** |
| كتابداري و اطلاع‌رساني | 1156/46% | 1324/53 % | 247100% |
| فصلنامه كتاب | 4081/71% | 1669/28% | 574100% |
| كتابداري | 1291/72% | 509/27% | 179100% |
| جمع | 6522/65% | 3488/34% | 1000100% |

مطابق اطلاعات به دست آمده از جدول 6،‌ نسبت استنادهاي سطح پايين به بالا در فصلنامه كتاب 166 : 408، در كتابداري 50: 129، و در كتابداري و اطلاع‌رساني 132: 115است، يعني كتابداري و اطلاع‌رساني علاوه بر نزديك بودن فراواني استنادهاي سطح پايين و بالا، داراي استنادهاي بيشتري در سطح سودمندي بالاست (نمودار 1).

****

**نمودار 1. بررسي سطوح سودمندي استنادها در هر سه مجله مورد بررسي**

براي آزمون معنا‌داري تفاوت بين سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي، از آزمون مجذور كا (X^2) استفاده شد. با توجه به جدول 7، مقدار كي‌دو 296/50 در سطح اطمينان 05/0 و درجه آزادي 2 به دست آمد. از آنجا كه مقدار آماره آزمون 000/0 شده است و كمتر از 05/0 است، تفاوتي معنا‌دار را نشان مي‌دهد. به عبارت ديگر، بين سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي تفاوت معنا‌داري وجود دارد.

**جدول 7. آزمون X^2 براي بررسي تفاوت بين سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **P - Value** | **درجه آزادي** | **ارزش** |  |
| 000/0 | 2 | 296/50 | كي‌دو پيرسون |

 **فرضيه شماره 4.**نتايج حاصل از فرضيه‌هاي 1، 2، و 3 در كلّ مجله‌هاي مورد بررسي متفاوت است.

در اين فرضيه، قصد ما بر اين بوده است تا مقاله‌هاي كل مجله‌هاي مورد بررسي را به عنوان يك كل در‌نظر بگيريم و سپس با استفاده از آزمونهاي آماري مناسب، وجود تفاوت معنا‌دار بين الگوي استنادي نويسندگان، مكان استنادها، و سطح سودمندي آنها را بررسي كنيم.

به‌منظور بررسي چگونگي توزيع انواع استنادها در مقاله‌هاي مجله‌ها، از جدول 8 استفاده مي‌كنيم. بر‌اساس اطلاعات حاصل از اين جدول، بيشترين فراواني استنادها در طبقه‌هاي استنادي به ترتيب متعلق به طبقه‌هاي «تنظيم تحقيق»، «تاريخي»، «مستند»، «اطلاعات زمينه‌اي»، «تطبيقي»، «استدلالي، نظري، فرضي»، «روش‌شناسي»، و در نهايت «اتفاقي» است.

**جدول 8. توزيع انواع استناد در طبقه‌هاي كلي در كل مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نوع استناد****فراواني** | **تنظيم تحقيق** | **اطلاعات زمينه‌اي** | **روش‌شناسي** | **تطبيقي** | **استدلالي، نظري، فرضي** | **مستند** | **تاريخي** | **اتفاقي** | **جمع** |
|   | 2655/26% | 1288/12% | 477/4% | 711/7% | 622/6% | 1566/15% | 2266/22% | 455/4% | 1000100% |

همچنين، به‌منظور بررسي چگونگي توزيع استنادها در بخشهاي مختلف مقاله‌هاي مجله‌ها، از جدول 9 استفاده مي‌كنيم. از اطلاعات اين جدول چنين بر مي‌آيد كه بيشترين فراواني استنادها به ترتيب در بخشهاي «مرور ‌نوشتار»،‌ «مقدمه»، «يافته‌ها»، «بحث و نتيجه‌گيري»،‌ و «روش‌شناسي» آمده است.

**جدول 9. توزيع استنادها در بخشهاي مختلف مقاله‌ها، در كل مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **مكان استناد****فراواني** | **مقدمه** | **مرور نوشتار** | **روش‌شناسي** | **يافته‌ها** | **نتيجه‌گيري** | **جمع** |
|   | 2733/27% | 4888/48% | 611/6% | 966/9% | 822/8% | 1000100% |

بر اساس داده‌هاي حاصل از جدول 10، تعداد استنادهاي سطح پايين بيشتر و تقريبا دو برابر استنادهاي سطح بالاست.

**جدول 10. فراواني سطح سودمندي استنادها در كل مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سطح سودمندي****فراواني** | **پايين (1)** | **بالا (2)** | **جمع** |
|   | 6522/65 % | 3488/34 % | 1000100 % |

جدولهاي 11، 12 و 13 كه در زير آمده است، به ترتيب به آزمون الگوي استنادي نويسندگان، مكان استنادها، و سطح سودمندي استنادها اختصاص دارد.

**جدول 11. آزمون X^2 براي بررسي تفاوت بين الگوي استنادي نويسندگان**

**در كل مقاله‌هاي مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **P - Value** | **درجه آزادي** | **ارزش** |  |
| 000/0 | 7 | 487/363 | كي‌دو پيرسون |

**جدول12. آزمون X^2 براي بررسي تفاوت بين توزيع و پراكندگي استنادها**

**در بخشهاي مختلف در كلّ مقاله‌هاي مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **P - Value** | **درجه آزادي** | **ارزش** |  |
| 000/0 | 4 | 754/686 | كي‌دو پيرسون |

**جدول13. آزمون دو جمله‌اي براي بررسي تفاوت بين سطح سودمندي استنادها**

**در كل مقاله‌هاي مجله‌هاي مورد بررسي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **P – Value دو طرفه** | **نسبت مشاهده‌شده** | **فراواني** |  |
| 000/0 | 65/0 | 652 | 1 (پايين) | سطح سودمندي |
|   | 35/0 | 348 | 2 (بالا) |
|   | 00/1 | 1000 | جمع |

با توجه به جدولهاي فوق، از آنجا كه مقدار آماره آزمون در هر سه مورد 000/0 شده است و كمتر از 05/0 است، تفاوتي معنا‌دار را نشان مي‌دهد. به عبارت ديگر 1- بين الگوي استنادي نويسندگان به‌طور كلي تفاوت معنا‌داري وجود دارد   2- بين پراكندگي استنادها به‌طور كلي تفاوت معنا‌داري وجود دارد و 3- بين سطح سودمندي استنادها به‌طور كلي تفاوت معنا‌داري وجود دارد.

با استفاده از جدول 13 مي‌توان چنين نتيجه گرفت كه: با توجه به فراواني نسبي مشاهده شده براي هر يك از سطوح سودمندي، براي سطح سودمندي پايين (1)، فراواني نسبي مشاهده شده بيشتر است.

**نتيجه‌گيري**

يافته‌هاي پژوهش نشان داد نويسندگان به روشهاي متفاوت و از انواع مختلف استنادها بهره مي‌برند؛ يعني، استفاده از انواع استناد در مقاله‌هاي مجله‌هاي مورد بررسي متفاوت است. يافته‌ها حاكي از آن است كه طبقه تنظيم تحقيق در دو مجله كتابداري و اطلاع‌رساني و فصلنامه كتاب در رتبه اول و در كتابداري در رتبه دوم قرار دارد. طبقه‌هاي تطبيقي، استدلالي، نظري، فرضي، و روش‌شناسي تقريباً در رتبه‌هاي آخر قرار مي‌گيرند. پژوهش «پريتز» (1983)، نيز نشان داد بيشترين فراواني نوع استنادها به طبقه تنظيم تحقيق مربوط است. قابل مشاهده است كه نحوه توزيع انواع استناد در مجله كتابداري و اطلاع‌رساني منطقي‌تر از ساير مجله‌هاست و همچنين اولويت استفاده از انواع استناد در مجله‌هاي فصلنامه كتاب و كتابداري، بسيار شبيه هم است. بنابراين، شايد بتوان اين نحوه توزيع انواع استنادها در مجله‌ها را به درجه علمي مجله[[10]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn10" \o ") نسبت داد. البته، دليل ديگري كه مي‌توان صحت و سقم آن را در پژوهشهاي ديگري بررسي كرد اين است كه: به احتمال زياد حساسيتها و گرايشهاي مسئولان و داوران مجله‌هاي علمي مي‌تواند در نحوة استناددهي نويسندگان مقاله‌هاي علمي اثرگذار باشد.

درصد پايين استنادهاي استدلالي، نظري، فرضي، و تطبيقي نشان دهندة تأثيرپذيري كم از پژوهشهاي قبلي است. اين در حالي است كه به عقيدة دياني (1386: 1)، استناد سودمند استنادي است كه ويژگي ادغامي داشته باشد و نه صرفا مروري كه فقط خبري درباره وجود مقاله‌اي باشد، بلكه آجري باشد كه بر بناي در دست ساختمان علمي خاص نهاده مي‌شود و بر اساس مطالب قبلي و با نيت ارتقاي سطح دانسته قبلي مطرح شود. از طرف ديگر، درصد به نسبت بالاي استنادهاي اتفاقي، بخصوص در دو مجله فصلنامه كتاب و كتابداري، ترديدهاي جدي را درباره استفاده از استنادها به عنوان سنجش كيفيت به بار مي‌آورند. نتايج پژوهش موراوسيك و مورگسان (1975) نيز مؤيد اين مطلب است.

استنادها در بخشهاي مختلف مقاله‌هاي مجله‌هاي مورد بررسي به گونه اي متفاوت توزيع شده اند. استنادها در هر سه مجله بعد از بخش مرور نوشتار، در بخش مقدمه قرار گرفته اند. پژوهشهاي پريتز (1983) و كانو (1989)، نيز اين يافته‌ها را تأييد مي‌كنند. بيشتر استنادهاي بخش مقدمه در پژوهش حاضر از نوع مستندسازي مفاهيم و تعاريف عملياتي و اطلاعات زمينه‌اي و تأثير آنها در توليد اطلاعات جديد، بسيار كم بوده‌ است. اين نتيجه مي‌تواند ما را به سمت اين فرضيه هدايت كند كه استنادهايي كه در بخش «مقدمه» مقاله‌هاي پژوهشي آورده مي‌شود، صرفاً زمينه كار را نشان مي‌دهند و نويسندگان مقاله، در بقية مقاله، استفادة اطلاعاتي كمي از آنها مي‌برند. اين نكته بدين معنا نيست كه استنادهاي اين بخشها از نظر محتواي اطلاعاتي براي تمام خوانندگان بي ارزش است. تنها بدين معناست كه استنادهاي موجود در بخشهاي مقدماتي، مي‌تواند منحصرا پيشينة پژوهشي و زمينه‌اي را بازنمايانند (Cano, 1989).

بين سطح سودمندي استنادها در سه مجله مورد بررسي تفاوت معنادار وجود دارد. يافته‌هاي پژوهش نشان داد در هر سه مجله مورد بررسي، بيش از نيمي از استنادهاي موجود در بخش مقدمه با سطح سودمندي پايين مي باشند و در بخش نتيجه‌گيري نيز استنادهاي با سطح سودمندي بالا بيشترين فراواني را دارا مي باشند. يافته‌هاي پژوهش كانو (1989) و ماري سيك و ديگران (1998)، نيز در تأييد يافته پژوهش حاضر هستند. از دلايل چنين رخدادي مي‌تواند اين باشد كه در بخش مقدمه بيشتر بحثهاي تاريخي و پيش‌زمينه‌اي مطرح مي‌شوند و در نتيجه‌گيري، از آنجا كه نتايج پژوهشهاي ذكر شده در پيشينه پژوهشي با يافته‌هاي پژوهش در دست ‌اقدام بحث مي‌شوند و استدلالها،‌ پيشنهادها،‌ و يا فرضيه‌هايي ارائه مي‌گردد،‌ در دسته استنادهاي با سطح سودمندي بالا قرار مي‌گيرند.

بين الگوي استنادي نويسندگان به طور كلي، پراكندگي استنادها به طور كلي، و سطح سودمندي استنادها به طور كلي تفاوت معنادار وجود دارد. بنابراين، مي‌توان چنين نتيجه گرفت كه فراواني استنادها صرفاً نشان دهندة سطح كيفي استنادها و در پي آن سطح كيفي مقاله‌هاي علمي نيست كه بتوان بر اساس آن به ارزيابي دانشمندان، گروه‌هاي تحقيقاتي، انتصاب موقعيتها و ... پرداخت، زيرا بر اساس يافته‌هاي اين پژوهش، عقيده تساوي ارزش استنادها نقض مي‌شود و براي حل اين مشكل پارامتر نوع، و مكان استنادها و بخصوص نوع اشاره به مدرك مورد اسناد مي‌تواند تا حد زيادي در تعيين سطح كيفي استنادها مؤثر باشند. همچنين، نكته‌اي كه قابل تذكر است، اينكه استنادها در جذب تأثير فكري گنجانده شده در دانش شفاهي و غيرآشكار ناتوان است. به بيان ديگر، استنادها تنها مي‌توانند منعكس‌كننده تأثيراتي باشند كه توسط نويسنده يك مدرك شناخته شده است. استنادها، تأثيرهايي را كه به «بار و بنه فكري» تعلق دارند، منعكس نمي‌كنند، بار و بنه‌اي كه به واسطة سالها فعاليت فكري جمع‌آوري شده است. به عبارت ديگر، استنادها اطلاعات يا دانشي را كه با ساخت ذهني يك نويسنده يكي شده، به شكلي كه به صورت ناآشكار و ضمني درآمده است را نيز جذب نمي‌كنند(Cano, 1989).

بر اساس يافته‌هاي پژوهش، پيشنهادهاي اجرايي زير به منظور بهبود شيوه‌هاي استناددهي و در پي آن ارتقاي سطح كيفي توليد علم در ايران ارائه مي گردد:

- پيشنهاد مي‌شود جامعة علمي كتابداري و كتابداران با مباحثي چون انواع استناد، انواع بخشهاي مقاله‌هاي علمي، چگونگي اشاره به مدركي (اشارة پرمحتوا يا اشاره سطحي)، و اهميت آنها در توليد متون علمي بيشتر آشنا شوند تا بتوانند علاوه بر استفاده خود، به ديگر مراجعان مراكز اطلاع‌رساني نيز آموزش دهند؛ زيرا با تأكيد روزافزون بر اهميت توليد علم در كشور و نيز تمايل دانشگاه‌ها در افزايش رتبه علمي خود، گرايش به استفاده از روشهاي پژوهش علمي افزايش مي‌يابد. كتابداران ايراني، همچون كتابداران كشورهاي پيشرفته، مي‌توانند نقش كليدي در ساماندهي به اين نوع پژوهشها داشته باشند.

- پيشنهاد مي‌شود توضيحات و دستور عمل‌هايي درباره انواع استناد با توجه به رشته‌هاي علمي مختلف تدوين شود و در كتابخانه‌ها و مراكز اطلاع‌رساني در دسترس مراجعان قرار گيرد.

- پيشنهاد مي‌شود طبقه‌بندي از انواع استناد در رشته كتابداري و اطلاع‌رساني و توضيحات كافي در اين‌باره در دسترس مديران نشريه‌هاي علمي قرار گيرد تا به عنوان سنجه‌اي براي ارزيابي مقاله‌هاي دريافتي مورد استفاده قرار گيرد.

**منابع**

- دياني، محمدحسين (1386). سنجه‌اي به نام «عامل تأثير». كتابداري و اطلاع‌رساني، 10پياپي 40 ( زمستان     1386)، جلد دهم، شماره 4 : 3-4.

- شهرياري، پرويز (1385). تحليل استنادي مقالات فصلنامه علوم اطلاع‏رساني (1351-1381). ...

-كميسيون بررسي نشريات علمي كشور. ليست مجله‏هاي مصوب. بازيابي 18 آذر، 1385 از

<http://www.magiran.com/category.asp?l=1&cat=0801&keyword=&page=6>

- موسوي، ميرفضل ا... (1383). رتبه‌بندي توليد علم در 50 كشور اول جهان. رهيافت، (32)، 37-57.

-Amsterdamska, O., Leydesdorff, L. (1989). Citations: indicators of significance? Scientometrics, 15(5-6), 449-471.

-Bornmann, L., Daniel, H.-D. (2008a). Functional use of frequently and infrequently cited articles in citing publications: A content analysis of citations to articles with low and high citation counts. European Science Editing. 34(2), 35-38. Retrieved Jun, 16, 2008, from: <http://www.lutz-bornmann.de/icons/ESE.pdf>

-Bornmann, L., Daniel, H.-D. (2008b). What do citation counts measure? A review of studies on citing behavior. Journal of Documentation. 64(1), 45-80. Retrieved Jul 26, 2008, from: [http://www.emeraldinsight.com/Insight/ViewContentServlet? contentType=Article&Filename=Published/EmeraldFullText Article/Articles/2780640103.html](http://www.emeraldinsight.com/Insight/ViewContentServlet?%20contentType=Article&Filename=Published/EmeraldFullText%20Article/Articles/2780640103.html)

 -Cano, V. (1989). Citation behavior: classification, utility, and location. Journal of the American Society for Information Science, 40(4), 284-290. Retrieved Jun, 16, 2008, from: [http://proquest.umi.com/pqdweb?index=6&did=639269621& SrchMode=1&sid=2&Fmt=6&VInst=PROD&VType=PQD&RQT=309&VName=PQD&TS=1255163266&clientId=61590](http://proquest.umi.com/pqdweb?index=6&did=639269621&%20SrchMode=1&sid=2&Fmt=6&VInst=PROD&VType=PQD&RQT=309&VName=PQD&TS=1255163266&clientId=61590)

-Hand, J. (2003). Feasibility of using citations as document summaries. Unpublished doctoral dissertation, Drexel University. Retrieved Apr 10 from: http://dspace.library.drexel. edu/bitstream/1860/288/8/hand\_jeff\_thesis.pdf

-Maricic, S., Spaventi, J., Pavicic, L., Pifat-Mrzljak, G. (1998) Citation context versus the frequency counts of citation histories. Journal of the American Society for Information Science, 49, 530-540.

-Peritz, B. C. (1983). A classification of citation roles for the social sciences and related fields. Scientometrics, 5, 303-312.

1. Citation.

2. ISI: Institute for Scientific Information.

3. اين شاخصها كه بر اساس استنادها تعريف مي‌شوند، عبارتند از: دانشمندان (Scientists)؛ مؤسسه‌ها (Institutions)؛ كشورها (Countries)؛ مجله‌ها (Journals)؛ مقاله‌هاي پراستناد (Highly Cited Papers)؛ مقاله‌هاي داغ (Hot Papers)؛ زمينه‌هاي تحقيق پيشتاز (Research Fronts) (موسوي، 1383، ص 51).

1. Physical Review.

1. ISA: Information Science Abstract.

1. لازم به توضيح است، چاپ شماره 46 ( پاييز و زمستان) مجله كتابداري بنا به دلايلي به تعويق افتاد و در پاييز و زمستان 1386 تنظيم و در بهار 1388 در دسترس قرار گرفت؛ بنابراين، شماره 46 ( پاييز و زمستان 1386) به عنوان جايگزين شماره پاييز و زمستان 1385، استفاده و بررسي شد.

2. برگرفته از: كميسيون بررسي نشريات علمي كشور. فهرست مجله‏هاي مصوب. بازيابي 18 آذر، 1385 از

 <http://www.magiran.com/category.asp?l=1&cat=0801&keyword=&page=6>

1. از مجموع 1002 استناد موجود در 57 مقاله پژوهشي تأليفي، 2 استناد به دليل ارجاعي بودن و 85 استناد به دليل تكراري بودن حذف شدند، در نتيجه، در تعيين مكان و نوع استنادها، 915 استناد و در تعيين سطح سودمندي استنادها از آنجا كه سطح سودمندي مستقل از نوع و مكان استناد است و هر بافت استنادي سطح سودمندي خاص خود را دارد، استنادهاي تكراري نيز شمرده شدند. بنابراين، در تعيين سطح سودمندي استنادها، 1000 استناد مورد بررسي قرار گرفت.

2. مجله كتابداري و اطلاع‌رساني و فصلنامه كتاب، به صورت فصلنامه، و مجله كتابداري، به صورت دو فصلنامه منتشر مي‌شود.

1. دو مجله فصلنامه كتاب و كتابداري با درجه علمي ترويجي و مجله كتابداري و اطلاع‌رساني با درجه علمي پژوهشي مي‌باشد.